



Critique and analysis of the national curriculum document based on adapting to the educational needs of preschool and nomadic primary school students with emphasis on the native knowledge approach

Yaghoub Rahimi Pordanjani

¹ Curriculum Development, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

The purpose of this article is to critique and analyze the national curriculum in terms of adapting to the educational needs of preschool and students of nomadic elementary school with emphasis on the native knowledge approach. The research method used was content analysis analysis. The population of this study is 15 main titles of the national curriculum document that were coded using the content checklist tool. The unit of analysis was the text (paragraph). For this purpose, first the educational needs were identified through the study of theoretical foundations and categorized into three areas using the Delphi technique, then the content of the national curriculum document was analyzed and critiqued based on these needs. The results of the study indicate the relative attention of the document to educational needs. So that the field of "learning experiences", "principles of curriculum supervision", "philosophical and practical foundations" and "perspectives" focus directly and appropriately on the ecological components; And the principles of the "teaching and learning" process pay less attention to this issue. The rest of the paragraphs also implicitly and generally refer to the use of this approach. In the second part, a total of 6 criticisms were deduced, the result of which can be generalized to the text of the document on sociological foundations, not introducing a special executive program for nomadic education according to the existing natural capacities and less attention to some components of the document. Indigenous knowledge approaches pointed out.

Keywords: National Curriculum Document, Indigenous Knowledge, Nomadic Education, Ecological Approach

نقد و تحلیل سند برنامه درسی ملی بر مبنای انطباق با نیازهای آموزشی دانش آموزان پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی عشایر با تاکید بر رویکرد دانش بومی

یعقوب رحیمی پردنجانی*

دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر نقد و تحلیل برنامه درسی ملی بر مبنای انطباق با نیازهای آموزشی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی عشایر با تاکید بر رویکرد دانش بومی بود. روش تحقیق مورد استفاده تحلیل محتوا بود. جامعه این پژوهش ۱۵ عنوان اصلی سند برنامه درسی ملی که به کمک ابزار چک لیست محتوا کدگذاری شد. واحد تحلیل متن (پاراگراف) بوده است. بدین منظور ابتدا نیازهای آموزشی از طریق مطالعه مبانی نظری شناسایی و به کمک تکنیک دلفی در سه حیطه دسته‌بندی شد؛ سپس محتوای سند برنامه درسی ملی بر اساس این نیازها تحلیل و نقد گردید. نتایج بررسی حاکی از توجه نسبی سند به نیازهای آموزشی بود؛ طوری که حوزه «تجارب یادگیری» «اصول ناظر برنامه‌های درسی»، «مبانی فلسفی و عملی» و «چشم اندازها» به طور مستقیم و مناسب به مولفه‌های بوم شناختی تمرکز داشت؛ و بند اصول ناظر بر فرایند «یاددهی و یادگیری» این موضوع را کمتر مد نظر داشته است. همچنین بقیه بندها به صورت تلویحی و کلی به استفاده از این رویکرد اشاره داشته‌اند. در بخش دوم، در مجموع ۶ مورد نقد برداشت شده که می‌توان به کلی‌گویی متن سند در مورد مبانی جامعه شناختی، معرفی نکردن برنامه اجرایی خاص برای آموزش عشایر با توجه به ظرفیت‌های طبیعی موجود و توجه کمتر سند به برخی مولفه‌های رویکردهای دانش بومی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: برنامه درسی ملی، دانش بومی، آموزش و پرورش عشایر، بوم شناختی

مقدمه

پرورشی و آموزشی برخوردار نیستند؛ این کودکان در صورت عدم دسترسی به آموزش پیش‌دبستانی قادر به رقابت با کودکان طبقات متوسط و مرفه نیستند. آموزش در این دوره باعث می‌شود که کودکان در طبقات محروم، زمینه لازم برای اینکه حدوداً همسطح کودکان متوسط قرار بگیرند را فراهم سازد (Ge, Wang & Liu, 2021). برنامه درسی و تربیتی پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی باید ضمن تأکید بر ویژگی‌های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی و فردی دانش‌آموزان (استعدادها و توانایی‌ها، نیازها و علایق) توجه نماید و از انعطاف لازم برخوردار باشد. یکی از ویژگی‌های برنامه درسی ملی استفاده از یافته‌های علمی و پژوهشی با تأکید بر نظریه بوم‌شناختی (Ecological) برای بهره‌مند شدن موثر فراگیر از آن‌ها در طول تحصیل می‌باشد (National Curriculum Document, 2012:36). بنابراین با توجه به شرایط جغرافیایی و تنوع فرهنگی کشور و تمرکز امکانات در یک منطقه خاص و گستردگی روزافزون علم و دانش بشری و تفاوت ساختاری جوامع متفاوت، نیازسنجی آموزشی بر اساس آموزش دانش بومی ضروری به نظر می‌رسد. دانش بومی به باور متخصصان، معرفتی است که در طول زمان و توسط افراد مختلف در جوامع‌های محلی پدید آمده و اشاعه یافته و بدیهی است که این دانش در اجتماعات مختلف مبتنی بر بُن‌مایه‌های متفاوتی است. بنابراین معرفت و دانشی که از نگاه آنان معتبر و ارزشمند است؛ ممکن است از سوی جوامع دیگر سودمند نباشد و حتی اعجاب برانگیز نخواهد بود که نظام دانش بومی و محلی در جوامع مختلف از همدیگر متفاوت باشد (Ghasempour & Liaqatdar, 2011).

آماده کردن نوآموزان و دانش‌آموزان مناطق محروم برای استفاده از فرصت‌های محیطی، همواره یکی از مهمترین اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بوده و یقیناً حصول آن مستلزم بازنگری و اصلاح الگوی برنامه درسی مدارس است. چراکه کودکان عشایری باید

برنامه درسی ملی، آخرین حلقه از اسناد رسمی است که وظیفه جهت‌بخشی و هدایت فعالیت‌های آموزشی را به عهده دارد و بر آن است تا انسجامی را میان راهبردها و فعالیت‌های تربیتی ایجاد نماید. آنچه در مقدمه سند آمده است به عنوان یکی از زیر نظام‌های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه‌جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می‌آورد (National Curriculum Document 2012:31). تدوین برنامه درسی ملی می‌تواند عرصه‌ای را فراهم آورد تا نظام آموزشی علاوه بر هم‌سویی با تحولات ناشی از جهانی شدن، بر حفظ سنت‌ها و هویت‌های بومی و ملی تأکید کند و باید به نقشه معرفتی جامع و واحدی متکی باشند به طوری که با تبعیت از این نقشه، ویژگی‌های بومی و حساسیت‌های فرهنگی از میان نروند و برنامه درسی همچنان بتواند به صورت محلی ارزیابی شود (Ghavidel, 2014). درست است که برنامه درسی ملی برای اتحاد همه اقدار جامعه اهداف غایتی مشترک را در نظر دارد؛ ولی نباید مرادش از بین بردن تفاوت‌ها باشد چرا که هدفش را به تضاد مخرب تبدیل می‌کند (Fathi Vajargah, 2013). در این راستا و با توجه به تاثیر برابری فرصت‌های آموزشی و عدالت اجتماعی، جامعه عشایری هم می‌بایست جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و باید طوری برنامه‌ریزی شود که ضمن حفظ داشته‌هایی مثل دلاوری و ساده‌زیستی از قافله علم و دانایی عقب نیفتد؛ که زیر بنای این حرکت بسط فرهنگ و آموزش و پرورش در بین جامعه است (Abbasi Sarvak, 2008). لذا باید برنامه درسی کلان طبق مبانی جامعه‌شناختی خود در برخورد با فرهنگ‌های محلی و خرده فرهنگ‌ها نقش فعال، وحدت‌گرا و تعالی‌بخش ایفا کند؛ و پاسخگوی نیازهای متنوع اجتماعی باشد (National Curriculum Document, 2012:36). از طرف دیگر، کودکان خانواده‌های عشایری معمولاً از یک محیط خانوادگی غنی به لحاظ امکانات

استفاده از برنامه‌ها و فعالیت‌های مبتنی بر رهیافت بوم شناختی در مدارس عشایری سبب می‌شود دانش‌آموزان احساس تعلق به جامعه را تجربه کنند و از نقشی که باید در آن جامعه بازی کنند آگاه شوند و این موضوع، اثر مثبتی بر انگیزه و یادگیری آنها داشته باشد (Nobakhtpour, 2011).

پژوهش‌های زیادی در نقد و بررسی برنامه درسی بر اساس رویکردهای متفاوت انجام شده است. سجادیه و آزادمنش (Sajadieh & Azadmanesh, 2013) در تحقیقی به عنوان «نقد و بررسی اهداف تفصیلی فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی» انجام دادند که به این نتایج دست یافتند. اول اینکه در متن سند به مراتب توجه به ارزش‌ها مطابق معیارهای دین در بخش اهداف سند رعایت نشده است. سوم اینکه در متن سند ابهامی در واژگان وجود داشته و در نهایت تاکید داشتند که اهداف با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و در این زمینه حذف و اضافاتی صورت گرفته است. صادقی، Sadeghi (2010) در پژوهش دیگری با عنوان «نقدی بر برنامه درسی ملی با رویکرد چند فرهنگی انجام داد؛ نتایج نشان داد که هر چند بخش‌های مختلف سند کم و بیش دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های چند فرهنگی است اما چون که این ویژگی‌ها متناسب و متوازن با ویژگی‌های بخش‌های یک سند برنامه درسی نیست احتمال تحقق اهداف آموزش چند فرهنگی در این زمینه دشوار خواهد بود. کمارا، فوجن و بسکومپت Cámara., Fortuna, & Bascompte (2019) در پژوهش خودشان در مورد برنامه درسی با رهیافت بوم شناختی، زنجیره‌های دانش بومی را پیش زمینه‌ای برای تشکیل شبکه‌های دانش جهانی قلمداد کردند. مهرمحمدی Mehr (Mohammadi, 2010) پژوهشی در مورد «بازبینی روایت جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی از منظر درون تعلیم و تربیتی اشکال دانش» انجام داد. نتایج از این حقیقت حکایت داشت که برنامه درسی باید به

بتوانند خود را با این تغییرات همگام نمایند. همچنین اصرار بر آموزش برنامه‌های درسی تدوین شده معمول و متناسب با جامعه شهری و روستایی و کمبود عمومی منابع، آموزش را در این مناطق با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. پژوهش‌های محققانی چون هایت (Barnett, 2008) و هایز (Hayz, 2007) نشان می‌دهند کودکان مناطق محروم اگر آموزش‌های اولیه را متناسب با علایق، ارزش‌ها و باورهای منطقه‌ای و با کیفیت بالا کسب کنند، در دوره‌های تحصیلی بالاتر موفق‌تر عمل می‌کنند (Pushneh, Khosravi & Pourali, 2012). با این وجود زندگی همراه با دامپروری و کوچ، نیازهای عاطفی، شناختی، مهارتی متفاوت‌تری را برای این قشر طلب می‌کند و می‌توان از طریق خط‌مشی‌های آموزش، مثل شناسایی نیازهای تربیتی با تاکید بر آموزش دانش بومی کیفیت زندگی کودکان در مناطق عشایری را بهبود بخشید. رویکرد مربوط به آموزش رسمی، مدعی است که با ادغام دانش سنتی در چارچوب برنامه درسی مشخص، می‌توان مبادرت به حفظ دانش سنتی نمود. ازسوی دیگر، عدم آگاهی از برداشت‌های کودکانه تعلیم و تربیت، ما را دچار مشکل خواهد کرد. از جمله این که سبب خواهد شد؛ دانش‌ها در سطوحی که با فهم کودکان عشایر مناسب نباشد؛ و موجبات خستگی و دل‌زدگی کودکان عشایری شود (Bahonar, 2009: 58). از آنجایی که آموزش دانش بومی بسیاری از نیازها را برطرف می‌کند؛ می‌بایستی از جانب اندیشمندان خودی که در این حوزه فعالیت کرده‌اند پاسخی درخور پیدا کند. با این وجود، نیازسنجی آموزشی باید با توجه به درک درست از سه منبع (یادگیرنده، جامعه، موضوع درسی) و واجد سه ویژگی عملی بودن، دقت و سودمندی در نظر گرفته شود (Fathi Vajargah & Mehr Mohammad, 2002). برنامه حاصل از این نیازسنجی اگر علایق، تمایلات و استعدادها را نواآموزان که در هر منطقه جغرافیایی خاصی قرار دارند در نظر بگیرد، حالت منعطف به خود می‌گیرد که کارایی و اثر-بخشی بیشتری دارد (Narimbava, 2020). همچنین

نقشه معرفتی جامع و واحدی متکی باشد به طوری که با تبعیت از این نقشه، ویژگی‌های بومی و حساسیت‌های فرهنگی از میان نرود و برنامه درسی همچنان به صورت محلی ارزیابی شود. نوذری (2011, Nozari) پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس شاخص‌های بومی برنامه درسی در اسناد بالا دستی آموزش و پرورش» انجام داد. نتایج نشان داد که این کتب به مولفه‌های «اقتصاد بومی و تقویت هویت ملی» بیشترین توجه و به مولفه‌های «تعامل اثر بخش با مساجد و مراکز مذهبی» کمترین توجه را داشته‌اند. طاهری زاده و شعبانی، Taherizadeh (2019, Shabani &) پژوهشی با عنوان «برنامه درسی بومی، ضرورتی انکارناپذیر برای کلاس‌های چندپایه» انجام دادند. آنها در این زمینه به تشریح دلایل لزوم توجه بیشتر به برنامه درسی ملی به کلاس‌های چند پایه و تدوین برنامه درسی خاص برای این کلاس‌ها پرداخته‌اند. در همین راستا پژوهشی با موضوع «نقد و بررسی محتوای برنامه درسی ملی با محوریت پیش دبستانی» توسط غلامی (2013, Gholami) انجام شده است. نتایج حاکی از اهمیت آشنایی شدن معلمان به آموزش مطالب بومی و هم‌وزن بودن آموزش زبان مادری با زبان معیار در این کلاس‌ها است. بر اساس مطالب فوق و بررسی پیشینه پژوهش‌های مختلف مشخص شد که سند برنامه درسی ملی با رویکرد دانش بومی برای توسعه آموزش و پرورش در جوامع عشایری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازد.

مبانی نظری و پیشینه بحث

رهیافت بوم‌شناختی به عنوان یک رویکرد فلسفی مهم در چند دهه اخیر به تفاوت‌های افراد توجه کرده و افراد را به عنوان سیستمی در نظام‌های مختلفی که در آن زندگی می‌کنند، مورد بررسی قرار می‌دهد. تمام مدل‌های بوم‌شناختی به این خاطر مهم هستند که فرض می‌کند انسان بر اساس سیستم‌های متنوعی که در آن

زندگی می‌کند درک می‌شود. در این رویکرد به افراد بر اساس تعاملات و تبادلات آنها با یکدیگر، محیط زیستی، شرایط اقلیمی و فرهنگ توجه می‌شود و فرد بر حسب شرایط و بافتی که او را احاطه کرده‌اند مورد مطالعه قرار می‌گیرد (Khosravi & Koopal, 2014). در این راستا یکی از مسائلی که انسان با آن مواجه می‌شود؛ به استفاده از کاربردهای این نظریه در حوزه آموزش و پرورش مربوط می‌شود. از آنجا که برنامه درسی قلب و نرم افزار تعلیم و تربیت است، لذا برنامه‌های درسی و آموزشی بایستی با آگاهی از فرهنگ و زیست بوم و شرایط زندگی جامعه‌ای که در آن اجرا می‌شوند؛ متناسب باشند. با این وجود، صحبت از بومی سازی برنامه درسی به میان می‌آید. بومی سازی برنامه درسی رویکردی است که خواهان اشاعه، انطباق و رشد دانش، فناوری و هنجارهای رفتاری و سرمایه‌های فرهنگی و ارزش‌های خاص در موقعیت خاص می‌باشد. در این برنامه بایستی به فهم تحولات و نیازهای مردمی و انتقال آن به مخاطب متعهد بود (Bavakhani, Yarmohammadian & Keshti Arai, 2020). دانش بومی به عنوان یکی از مولفه اصلی در برنامه درسی با عناصر محتوا و حوزه تجارب یادگیری و نیازسنجی برنامه درسی در ارتباط است و می‌توان آموزش و یادگیری آن را یکی از مصادیق اساسی بومی‌سازی برنامه درسی و به تبع آن بکارگیری رهیافت بوم‌شناختی در حوزه آموزش و پرورش دانست. دانش بومی نخستین بار توسط گیرتز (1983, Girtz) مطرح شده است. منظور او از دانش بومی، دانش خاصی است که به شدت در موقعیت‌ها و در بافت خاص ریشه داشته و رشد کرده است. دانش بومی باعث برابری قشرهای مختلف جوامع، در دسترسی به اطلاعات و دانش می‌شود و دسترسی همگان به دانش و اطلاعات، خود از شاخص‌های توسعه و از پیش شرط‌های حصول به اهداف و توسعه پایدار می‌شود (2018, Esfandiari). دانش بومی بخشی از سرمایه هر قوم است که باورها و ارزش‌های محلی را در بر می‌گیرد و حاصل قرن‌ها

(کشاورزی و پزشکی، اقلیم‌شناسی، مهندسی)، علوم اجتماعی (مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاسی و اقتصاد) و جنبه‌های انسانی (ارتباطات، هنرها و فنون) می‌باشد. آنچه از مبانی نظری دانش بومی می‌توان استنباط کرد گستردگی دانش بومی در سه حیطه مهارتی، نگرشی و مهارتی است. در یک نگاه انواع دانش بومی به شناخت و اطلاعات مربوط من، جنسیت، جامعه، شغل، محیط، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، تقسیم کار در فعالیت‌های اقتصادی در خانواده و تاریخچه دسته‌بندی شده است (Yaghoubi & Zare, 2000). بنابراین می‌توان رد پای دانش بومی را در حیطه‌های باوری و نگرشی و عقایدی مشاهده کرد؛ چراکه دانش بومی چارچوبی وسیع تفکر نگرشی در زمینه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، آموزشی برای مخاطب خود به وجود می‌آورد و از طرفی دیگر دانش بومی از منابع محلی برخاسته است و ابزارها، مواد، ارتباطات و آموزش‌ها بی‌ی را شامل می‌شود که مردم به کمک آنها شیوه‌ها و فن‌آوری‌های عملی مهارتی را به طور مانوس به کار می‌گیرند (Avery & Kassam, 2011).

هدف و پرسش‌های پژوهش

با پذیرش ضرورت توجه به رویکرد آموزش دانش بومی در برنامه درسی ملی و به تبع آن تدوین برنامه درسی کودکان پیش‌دبستانی و دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی در حوزه عشایری هدف از پژوهش حاضر تحلیل و نقد نیازهای آموزشی این مخاطبان با سند برنامه درسی ملی است. با این وجود برای دستیابی به این هدف پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

- ۱- نیازهای آموزشی پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی عشایر با رویکرد آموزش دانش بومی تا چه حد در برنامه درسی عشایر لحاظ شده‌اند؟
- ۲- با مبنا قرار دادن نیازهای آموزشی با رویکرد بومی چه نقدهایی به سند برنامه درسی ملی در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی برای دوره اول ابتدایی و پیش‌دبستانی عشایری وارد است؟

آزمودن و خطا در محیط اجتماعی و طبیعی است که اغلب به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. دانش بومی مجموعه‌ای از دانش‌ها و تجربه‌های یک جامعه است که اساس چاره‌جویی‌های یک قوم را در برابر مسائل و چالش‌های آشنا و نا آشنا منتقل می‌کند (Naseri, 2002). برای معرفی دانش بومی واژه‌های گوناگونی به کار رفته است. ویلیامز و موشینه (wiliyams & muchene, 1991) به نقل از عربی، (Arabi, 1992) تعاریف مربوط به دانش بومی را به دو دسته تقسیم بندی کرده‌اند

الف: تعاریف لغوی: این تعاریف در برگزیده اجزای زیر هستند

- ۱- منشا و تولید، رشد، زندگی با وقایع طبیعی در یک منطقه خاص با محیط زیست
 - ۲- محلی بودن
 - ۳- مفاهیم پیوسته
 - ۴- سادگی، بومی، سطح پایین
- ب. تعاریف مفهومی: این تعاریف مشتمل بر اجزای زیر است

- ۱- نظام یکپارچه از شناخت، ارزش‌ها، عقاید و عملکردهای عملی
- ۲- نظام‌های اطلاعات محیطی
- ۳- جامعیت در ابعاد کاربرد

هر دو جنبه تعاریف لغوی و مفهومی به واسطه ارتباط با نظام‌های دانش نشأت گرفته در محل‌های خاص و تحت شرایط ویژه، با شناخت دانش بومی، مرتبط می‌باشند. خوشبختانه با وجود تنوع در واژه‌ای معرفی شده دانش بومی، درک مشترکی واحدی از این نوع دانش در کشورهای کمتر توسعه یافته وجود دارد.

دانش بومی قبل از بخش دانش زیستی، باورها، قواعد و عملکردهای فنون تولیدی شکل گرفته است. از طرف دیگر، دانش بومی چون به منظور پاسخگویی به شرایط اجتماعی و طبیعی در یک زمینه و محیط ویژه خلق شده است؛ خلاق و پویا می‌باشد. ابعاد دانش بومی نیز شامل علوم فیزیکی و فن‌آوری‌های وابسته نظیر

روش پژوهش

مقیاس حیطة یادگیری با سه زیرمقیاس (دانش، مهارت، نگرش)، بیان کنند. در ادامه هر کدام از نیازها در زیر مقیاسی که فراوانی آن از میانه گروه ۱۵ نفره که ۸ می- باشد، بیشتر شد، طبقه‌بندی و تعریف شد -مرحله دوم (بررسی مواد): این مرحله مواد و واحد تحلیل مشخص می شود.

برای مقایسه و بررسی نیازهای آموزشی اولویت‌دار عشایر در سند برنامه درسی ملی استفاده شد. بدین طریق که گویه‌ها شناسایی شده به کمک ابزار چک لیست محتوا و کدگذاری در متن برنامه درس ملی که خود جامعه ما را تشکیل می‌داد از منظر میزان کمی (تعداد فراوانی و -تکرار عین عبارت نیازآموزشی) و کیفی (عین مکتوبه متن موجود و مصادیق آن) که در متن سند برنامه درسی نوشته شده است تحلیل محتوا گردید.

مرحله سوم (پردازش نتایج)، در این مرحله با پایه قرار دادن نیازهای های آموزشی مشخص شده محتوای سند ملی مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت و در مجموع ۶ مورد نقد توسط محقق به سند برنامه درسی ملی در حیطة پیش دبستانی عشایراستنباط شد.

یافته های پژوهش

پرسش اول: نیازهای آموزشی دوره اول ابتدایی عشایر تاچه حد در برنامه درسی عشایر لحاظ شده‌اند؟ در ابتدا برای شناسایی نیازهای آموزشی دانش-آموزان دوره اول عشایر با مطالعه مبانی نظری در مجموع ۲۹ مولفه به دست آمد. در ادامه با تکنیک دلفی این مولفه‌ها در سه حیطة شناختی ۱۰، مهارتی ۸ و نگرشی ۱۱ گویه دسته‌بندی شد. همچنین این گویه‌ها از منظر میزان فراوانی و تکرار عین عبارت (گویه) و کیفی (عین مکتوبه متن موجود و مصادیق آن) که سند آورده شد تحلیل محتوا گردید. در ستون اول شماره گویه، در ستون دوم اسم حیطة، در ستون سوم شماره صفحه‌های بیان شده نیاز آموزشی در سند برنامه درسی و در ستون آخر کیفیت و مکتوبه موجود در سند بیان شده است.

روش تحقیق مورد استفاده تحلیل محتوا بود. جامعه این پژوهش ۱۵ عنوان اصلی سند برنامه درسی ملی که به کمک ابزار چک لیست محتوا کدگذاری شد. واحد تحلیل متن (پاراگراف) بوده است. پژوهش در دو مرحله انجام شد. ابتدا از طریق مطالعه مبانی نظری، نیازهای آموزشی پیش‌دبستانی و دوره اول ابتدایی دانش‌آموزان عشایر به دست آمد؛ و سپس با سند برنامه درسی ملی ایران (نگاشت دوم) مقایسه گردید تا مشخص شود این سند تا چه اندازه به نیازهای آموزشی عشایر توجه داشته است. روش تحقیق مورد استفاده تحلیل محتواست. برای بررسی محتوای آشکارا و نهان موجود در یک متن می‌توان از تحلیل محتوا کمی استفاده کرد. واحد تحلیل در این پژوهش پاراگراف در متن سند برنامه درسی ملی است. جامعه این پژوهش هم کلیه متن سند برنامه درسی ملی باشد.

روش اجرای تحقیق

برای انجام تحلیل از روش سه مرحله ای «سرمده، بازرگان و حجازی (Sarmad, Bazargan & Hejazi, 2002) استفاده گردید. این مراحل عبارتند از: الف) مرحله آمادسازی، ب) بررسی مواد ج) پردازش نتایج

مرحله اول (آماده‌سازی) مرحله تعیین ملاک‌های تحلیل (نیازهای آموزشی پیش دبستانی عشایر) می‌باشد. برای این کار گام‌های زیر طی گردید:

- نیازهای آموزشی دانش‌آموزان دوره اول عشایر با تاکید بر آموزش دانش بومی از طریق مطالعه مبانی نظری شناسایی شد.

- نیازهای آموزشی در سه حیطة شناختی، مهارتی و نگرشی به کمک تکنیک دلفی دسته بندی شدند. بدین منظور نیازهای شناسایی شده طبق یک پرسشنامه‌ی مصاحبه در اختیار گروه ۱۵ نفره خبره علوم تربیتی که دارای تجربه تدریس در آموزش و پرورش عشایر بودند؛ قرار گرفت تا نظرشان را علاوه بر مناسب بودن و مرتبط نیاز شناسایی شده، در مورد سه

جدول ۱- جدول نیازهای آموزشی عشایر و بررسی مقوله‌ها و مصادیق آنها در برنامه درسی ملی از بعد کمی بند و کیفی

حیطه	نیازهای آموزشی	کمیت بیان شده نیازها در برنامه درسی ملی	کیفیت بیان شده نیازهای پیش دبستان عشایر در برنامه درسی ملی
۱	مهارتی	آموزش صنایع دستی	اشاره تلویحی در جهت گیری کلی در سازماندهی محتوا و آموزش حوزه اجتماعی مبنی بر کسب مهارت کار برای دانش آموزان بر اساس موقعیت‌های محلی و علائق
۲	شناختی	آموزش محیط زیست	<p>-اشاره شده در بند چشم انداز ۱۴۰۴ ب</p> <p>-بهرگیری از الگوی پیشرفته بومی زمینه تربیت نسلی که دیگران وطبیعت را دوست دارد</p> <p>- اشاره شده در بند شایستگی های پایه در مورد اینکه متربی علم نسبت به پدیده ها وقوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آن ها داشته باشد</p> <p>-اشاره شده در بند ۴-۷ درمرد اینکه حفظ و تعالی محیط زیست،میراث فرهنگی و سرمایه های طبیعی</p> <p>-بند ۵-۷ مبنی بر ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست</p> <p>- اشاره به مراقبت از محیط زیست در حوزه یادگیری مهارت‌های زندگی</p> <p>-اشاره شده به ارزش‌های مربوط به خلقت مبنی بر حفاظت از زمین</p>
۳	شناختی	آموزش خلاقیت	<p>-اشاره شده در ضرورت حوزه های یادگیری هنر مبنی بر اینکه متربی باید قدرت تخیل و خلاقیتش زیاد شود</p> <p>-اشاره شده در بند ۹ -اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری مبنی بر اینکه متربی باید کاوشگر و خلاق بار بیاید</p>
۴	شناختی	شناخت گیاهان سمی و کشنده	<p>- اشاره شده تلویحی در ویژگی های برنامه درسی ملی با برخورداری از یافته های معتبر علمی و پژوهشی با تاکید بر بومی سازی آنها (بند چشم انداز ها)</p> <p>-اشاره شده در بند جامعیت برنامه درسی ملی که نیازهای منطقه ای باید رعایت شود</p> <p>-اشاره شده در حوزه یادگیری علوم مبنی براینکه این حوزه شامل مطالعات فرایندهای حیاتی وموجودات است</p> <p>-اشاره شده در ارزشهای مربوط به جامعه جهانی مبنی بر شناخت وحفاظت حیوانات و گیاهان</p>
۵	شناختی	داستان های زندگی ائمه	<p>-اشاره شده در ویژگی های برنامه درس ملی وجامعه عدل مهدوی د ر بند چشم اندازها</p> <p>-اشاره شده در دین محوری</p> <p>-اشاره شده در وظایف وقابلیت های معلم ومربی</p> <p>اشاره شده در عناصر برنامه در بخش شایستگی ایمان</p>
۶	شناختی	شناخت بیماری های مشترک انسان و دام	<p>اشاره شده تلویحی در حوزه سلامت مبنی بر اینکه نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تاکید بر سلامت فرد ،خانواده و اجتماع باشد</p>
۷	شناختی	قصه گویی و ادبیات محلی	<p>اشاره شده در ضرورت حوزه های یادگیری فارسی مبنی بر حفظ آداب ورسوم قومی</p>
۸	شناختی	شناخت حیوانات وحشی منطقه	<p>اشاره شده تلویحی در ویژگی های برنامه درسی در بند چشم انداز ها برخورداری از یافته های معتبر علمی و پژوهشی با تاکید بر بومی سازی آنها اشاره شده در بند جامعیت برنامه درسی ملی که نیازهای منطقه ای باید رعایت شود</p>

حیطه	نیازهای آموزشی	کمیت بیان شده نیازها در برنامه درسی ملی	کیفیت بیان شده نیازهای پیش دبستان عشایر در برنامه درسی ملی
			اشاره شده در حوزه یادگیری علوم مبنی بر اینکه این حوزه شامل مطالعات فرایندهای حیاتی و موجودات است اشاره شده در ارزشهای مربوط به جامعه جهانی مبنی بر شناخت و حفاظت حیوانات و گیاهان
۹	شناختی	آموزش گذشت زمان و تاریخ محلی	۲ بار صفحات (۳۱ و ۳۲)
۱۰	مهارتی	آشنایی با کارگاه های محلی و شناخت وسایل موجود در محیط و ایمنی در مقابل آنها	۱ بار (صفحه ۳۹)
۱۱	شناختی	آشنایی با اعیاد و جشن ها ملی - مذهبی	صفحه ۹ صفحه ۶۰
۱۲	شناختی	آموزش مبارزه با بلایای طبیعی	۱ بار (صفحه ۳۹)
۱۳	مهارتی	آموزش نحوه کوچ و تدارک سفر	۳ بار صفحات (۲۴، ۳۰، ۳۲)
۱۴	مهارتی	آموزش بهداشت فردی و عمومی	۲ بار (صفحات ۱۸، ۲۹)
۱۵	مهارتی	آموزش هنر بومی و محلی	۲ بار صفحات (۱۰، ۲۶)
۱۶	مهارتی	آموزش ارتباط صحیح با دیگران و خانواده	۲ بار صفحات (۱۰، ۲۴)
۱۷	مهارتی	شناخت اقلیم و پیش بینی آب و هوا	۱ بار صفحه (۳۲)
۱۸	مهارتی	شناخت بازی	۳- بار

حیطه	نیازهای آموزشی	کمیت بیان شده نیازها در برنامه درسی ملی	کیفیت بیان شده نیازهای پیش دبستان عشایر در برنامه درسی ملی
	محلی و کار با اسباب بازی ها	صفحات(۸،۱۳،۲۹)	-محیط باید متناسب با علایق کودک باشد که این خود نشانگر توجه به علایق کودک است -توجه به بازی ها در حوزه یادگیری تربیت بدنی
۱۹	نگرشی آزادی و حق انتخاب	۲بار صفحات(۲۴،۵۸)	اشاره به ضرورت های حوزه یادگیری زبان فارسی در مورد قدرت بیان عقاید شخصی -اشاره در مبانی ارزش شناختی بند مبانی سند مبنی بر عمل و انتخاب آدمی در پرتو ارزش گذاری متربی محقق می شود
۲۰	نگرشی آموزش نظم و انضباط	۱بار (صفحه ۸)	اشاره شده در ویژگی های برنامه در بند چشم اندازهها برنامه
۲۱	نگرشی آموزش نگرش به نوع دوستی مو احترام به اقوام	۳بارصفحات(۸،۳۱،۳۲)	-اشاره شده در چشم انداز مبنی بر توجه به مهرورزی و جمع گرایی متربی -اشاره شده در حوزه یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی مبنی بر تربیت شهروند نوع دوست - اشاره شده در حوزه یادگیری علوم اجتماعی مبنی بر تربیت متربی مسول پذیر
۲۲	نگرشی فرهنگ تغذیه و رفع سو تغذیه با هدف تدارک تغذیه جبرانی	۱بار (صفحه ۲۹)	-اشاره شده در حوزه تجارب یادگیری ضرورت حوزه سلامت
۲۳	نگرشی ایجاد رغبت به استفاده از تکنولوژی و خورشیدی و تولید هوای پاک	۱بار (صفحه ۳۵)	اشاره شده در حوزه یادگیری علوم تجربی مبنی بر استفاده از فرآورده های علمی فناورانه-
۲۴	نگرشی آموزش شجاعت	۱بار (صفحه ۱۸)	اشاره شده در بند۵-۷ اخلاق بند شایستگی ها مبنی بر اینکه ارزش های اخلاقی مثل شجاعت باید در متربی رشد کند.
۲۵	نگرشی آموزش شادی	۳بار (صفحه۸،۸،۲۶)	-اشاره شده در چشم انداز ۱۴۰۴ با بهرگیری از الگوی پیشرفته بومی زمینه تربیت نسلی که بانشاط باشد -اشاره شده در ویژگی های برنامه درسی بند چشم اندازهها -اشاره شده به ضرورت و کارکرد حوزه هنر مبنی بر ایجاد شوق ونشاط
۲۶	نگرشی آموزش صلح	۱بار (صفحه ۸)	-اشاره شده در چشم انداز ۱۴۰۴ با بهرگیری از الگوی پیشرفته بومی زمینه تربیت نسلی که صلح جو باشد
۲۷	نگرشی نگرش درست به مشاغل مختلف	۱بار (صفحه ۲۹)	اشاره شده در حوزه یادگیری و کار فن اوری مبنی بر اینکه متربی آمادگی در بخش های مختلف اقتصادی وزندگی اجتماعی داشته باشد
۲۸	نگرشی آموزش صرفه جویی	۲بار صفحات(۱۸،۵۹)	-اشاره تلویحی در بند عمل متربی در مورد بکارگری آداب ومهارت های وسبک زندگی اسلامی - ایرانی -اشاره شده در بند مبانی ارزش شناختی قسمت ارزش های مرتبط با خود مبنی بر پرهیز از اسراف وزیاده خواهی
۲۹	نگرشی آموزش وطن دوستی	۱بار (صفحه ۶۰)	اشاره شده در ارزشهای مربوط به جامعه وکشور مبنی بر وطن دوستی در بند مبانی فلسفی

قومی و زبانی هستند می‌توانند با بهره‌گیری از زبان گفتاری مربوط به قوم خود از این آموزش‌ها برخوردار باشند. مواردی از قبیل قصه‌ها و هنرهای بومی و محلی و آموزش خلاقیت و صنایع دستی در این دسته قرار می‌گیرند. در رتبه‌های بعدی «حوزه تجارب یادگیری مهارت‌های زندگی» به نیازهای آموزشی دانش‌آموزان عشایر به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره داشته است که نشان دهنده این واقعیت است که دانش بومی از طریق زیستن و به کار بردن آن در زندگی تجلی پیدا می‌کند. در این فقره می‌توان مواردی از قبیل آموزش کوچ و تدارک سفر و آموزش صرفه جویی را نام برد. بیشترین فراوانی نیازهای آموزشی در سند برنامه درسی با بیش از ۲۰ مورد تکرار مربوط به مولفه محیط زیست و شناخت عناصر موجود در آن از قبیل شناخت گیاهان و حیوانات بومی بوده است که نشانگر توجه سند به اهمیت محیط زیست و کمک به ایجاد نگرش در حفظ طبیعت و اکوسیستم دارد. لازم به یادآوری است که زیست بوم یکی از پایه‌ها و ظرفیت‌های اصلی در آموزش دانش بومی محسوب می‌شود.

نیازهای آموزشی با رویکرد آموزش دانش بومی در سند برنامه درسی ملی بعد از حوزه تجارب یادگیری در بندهای «مبانی فلسفی و عملی»، «چشم اندازهای سند»، «اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی»، «شایستگی های پایه» و «رویکردها و جهت گیری‌ها» مشاهده می‌شود. در لابلای متن مربوط به این بندها به صورت مستقیم به آموزش و بکارگیری دانش بومی و بکارگیری رهیافت بوم شناختی اشاره شده است و این امر نشانگر توجه و بهره گیری از الگوی پیشرفته بومی به عنوان یک ارزش و چشم‌انداز در سند برنامه درسی ملی می باشد. به عنوان مثال در بند «شایستگی پایه» به بهره گیری از یافته های هنری و فنی و حفظ میراث فرهنگی توجه شده است. همچنین در بخش «ساختار و زمان» متناسب با اقتضات و شرایط که یکی از مولفه های رهیافت بوم شناختی دانش می باشد؛ ۵۰ ساعت آموزش اختصاص داده شده است. با توجه به نقشه جامع

نتایج بررسی نیازهای آموزشی دوره اول ابتدایی و پیش‌دبستانی عشایر با رویکرد دانش بومی در سند برنامه درسی نشان دهنده توجه سند به صورت مستقیم و تلویحی به این نیازها است. اما توجه و تاکید در ۱۴ بند سند شامل «مبانی فلسفی و علمی»، «چشم اندازها»، «اصول ناظر در برنامه درسی و تربیتی»، «رویکردها و جهت گیری کلی»، «الگوی هدف گذاری»، «هدف کلی برنامه درسی و تربیتی»، «شایستگی های پایه»، «حوزه های تربیت و یادگیری»، «اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی و یادگیری»، «اصول حاکم بر ارزش یابی و پیشرفت تحصیلی»، «فرایند تولید اجرای برنامه درسی و تربیتی» «سیاست های تولید مواد و رسانه های یادگیری»، «ساختار و زمان آموزش»، «سیاست ها و الزامات اجرایی» و «ارزشیابی برنامه درسی ملی» به صورت متفاوت گزارش شده است. بیشترین تکرار نیازهای آموزشی در بند حوزه تجارب یادگیری هستند. بسیاری از نیازهای آموزشی شناسایی شده از جمله شناخت مکان، زمان، محیط اجتماعی و طبیعی در سند برنامه درسی ملی در ذیل بند حوزه تجارب یادگیری مطالعات اجتماعی مشاهده می شود. از آنجایی که دانش بومی نوعی برگردآوری تجارب و اطلاعاتی است که از نسلی به نسل دیگر در درون جامعه اشاره دارد. این دانش اصالت خود را از فرهنگ و تمدن محلی می گیرد؛ و شناخت عناصری مانند فرهنگ و تمدن از مفاهیم اصلی در حوزه علوم اجتماعی است (Younesin, 2001). لذا می‌توان استنباط کرد که مهمترین قلمرو برای آموزش دانش بومی همین حوزه «تجارب یادگیری علوم اجتماعی» باشد. با بررسی نیازهای آموزشی دانش بومی در بند حوزه های تجارب یادگیری سند مشخص می شود که بیشتر نیازهای آموزشی با رویکرد بومی به صورت مستقیم در حوزه «تجارب یادگیری فارسی و هنر» قرار دارند این مطلب نشان دهنده آن است که این دو حوزه، بستر مناسبی برای آموزش دانش بومی هستند. مضافا دانش آموزانی که متعلق به خرده فرهنگ‌ها و اقلیت‌های

روستایی و عشایری) و اهمیت برنامه ریزی با توجه به تفاوت خرده فرهنگ‌ها صحبت شده است. در مکتوبه موجود توجه به تفاوت‌های بومی در برنامه‌ریزی حالت کلی‌گویی دارد و اشاره سند فقط به تفاوت خرده فرهنگ‌ها مورد نظر کافی نمی‌باشد. چرا که در سند برنامه درسی با توجه به تنوع قومی در ایران و جوامع عشایری هیچ‌گونه توصیفی از مولفه قوم‌شناسی به عنوان منبع و رجوعی برای پاسخ به شناخت عشایر معرفی نشده است.

۲- یکی از مولفه‌های دانش بومی آموزش درست استفاده از انواع غذاها و رفع سوء تغذیه می‌باشد. پیاده شدن این مولفه نیازمند تدارک تغذیه مناسب و جبرانی از طرف آموزش و پرورش را طلب می‌کند. یکی از گزاره‌های اصلی سند تحول بنیادین رفع محرومیت در جامعه است که با طرح تغذیه رایگان می‌تواند در مناطق محروم عشایری شکل اجرایی به خود بگیرد Document of Fundamental Transformation of Education, 2011). نبود مکتوبه‌ای در سند برنامه درسی ملی مبنی بر تغذیه رایگان برای کودکان پیش دبستانی و دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی جای بحث دارد چرا که تغذیه به عنوان مولفه‌های برنامه کاری درسی در کودکان به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار گرفته است و از طرف دیگر طبیعتاً با داشتن چنین مکتوبه‌ای برنامه درس ملی خودش را با تحول بنیادین بالا دستی هم‌ساز و هم‌سو قرار می‌دهد

۳- بازی یکی از مهمترین قلمروهای معرفی شده در سلامت روحی و جسمی کودکان محسوب می‌شود. کودکان از طریق بازی به رشد شناختی و مهارتی می‌رسند. در حوزه «تجارب یادگیری تربیت بدنی» به بازی‌های بومی و محلی توجهی نشده است. چه بسا بازی‌های بومی و محلی نقش بسیار در پرورش شخصیت و استعداد نوآموزان عشایری دارد.

۴- با توجه به تاسی اسناد بالا دستی از فرمایش قرآن کریم مبنی بر کاوشگری در پیرامون طبیعت برای یادگیری و پند آموزی (آیات ۱۹ و ۲۰ عنکبوت)

بودن و حالت کلی‌گویی سند برنامه درسی ملی، نیازهای آموزشی بومی در بسیاری از بندهای سند به صورت مستقیم ذکر نشده است. بندهایی مانند «الگوی هدف گذاری»، «هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی»، «اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی» و «سیاست‌ها و الزامات اجرایی» آن به در قالب بیانیه‌ها و جملاتی از بکارگیری رهیافت بوم‌شناختی در برنامه‌ریزی درسی به صورت کلی و تلویحی یاد می‌کنند. به عنوان مثال در بند «سیاست‌های تولید مواد و رسانه های یادگیری» در بند ۵-۱۲- مبنی بر توسعه و تقویت مراکز و منابع یادگیری داخل و خارج از مدرسه به ویژه جامعه محلی و بهره برداری از آنها را اشاره کرد. نتایج بررسی نیازهای دانش بومی در جدول بالا نشان می‌دهد که بند «اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی و یادگیری» که می‌بایستی بستر لازم را برای تحقق اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتبی از حیاط طیبه تدارک ببیند؛ فقط یک بار آن هم در مورد آموزش خلاقیت توجه داشته است و در این حوزه مولفه‌های دانش بومی و رهیافت بوم‌شناختی به عنوان یک راهبرد اصلی برای بالا بردن فرایند یاددهی و یادگیری مد نظر قرار نگرفته است.

پرسش دوم - با مبنا قرار دادن نیازهای آموزشی با رویکرد بومی چه نقدهایی به سند برنامه درسی ملی در حوزه برنامه ریزی برای کودکان پیش دبستانی و دوره اول ابتدایی عشایری وارد است.

۱- لازمه شناخت عشایر استفاده از تحقیقات قوم‌نگاری است. این نوع تحقیقات در مردم‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این نوع تحقیقات در تعلیم و تربیت نیز می‌توان استفاده کرد. از آنجایی که رفتار هر فرد تحت تاثیر بافت و قومی است که در آن زندگی می‌کند و رفتار هر جامعه تنها در محیط قومی مورد مطالعه خود قابل تفسیرند. در ذیل بند مبانی جامعه‌شناسی سند برنامه درسی به تفاوت جوامع ایران (شهری،

سازمان یافته و آزاد مخصوصا بازی‌های تخیلی و خلاق می‌شود. در این الگو استفاده از ریتم برای انجام فعالیت های هدفمند در قابل برنامه های روزانه هفتگی و سالانه برای فعالیت های مختلفی نظیر فعالیت های هنری، مهارت‌های خانه‌داری و جشنواره های فصلی که در طی آن کودکان به تجربه کردن در محیط روی می‌آورند (Habibi & Ahmadi Qaracheh, 2011) که در سند برنامه درسی برنامه عملیاتی در این مورد وجود ندارد.

۵- در حوزه یادگیری کار و فن‌آوری با توجه به اینکه تنها منبع اقتصادی عشایر فروش رمه می‌باشد. آموزش صنایع دستی و ایجاد نگرش مثبت به دیگر شغل‌ها به عنوان یک سرفصل آموزشی در محتوای کتب دوره‌های تحصیلی عشایر می‌تواند کمک شایانی به درآمدهای عشایر بکند. این نکته در بخش قلمرو حوزه کار و فن‌آوری اشاره نشده است و کمتر در متن سند مورد توجه قرار گرفته است. مضافا در حوزه یادگیری فن‌آوری، برنامه درسی ملی تمام فعالیت‌ها حوزه های یادگیری فراگیران را به صورت فناورانه ملزم می‌کند (National Curriculum Document 2012). این در حالی است که عملا دانش آموزان عشایر با دنیای مجازی ارتباط کمتری دارند. با توجه به اینکه یکی از نیازهای تشخیص داده شده این تحقیق ایجاد رغبت به استفاده از تکنولوژی‌های خورشیدی در بین دانش آموزان عشایر می‌باشد. که دقیقا با نیازهای رفاهی و فرهنگی آنان نیز متناسب است. عدم دستورالعمل‌های توجیهی استفاده تکنولوژی‌های خورشیدی در برنامه درسی ملی برای دانش آموزان و حتی بقیه دوره‌ها تحصیلی عشایر جای نقد و بررسی دارد.

۶- یکی از آخرین یافته‌های علمی تاثیر گذار در فعالیت‌های کودکان نقش والدین در امر یادگیری فرزندان است. آموزش خانواده برای شناسایی والدین از دنیای روانشناسی کودکان، کمک شایانی به تربیت موثر آنان می‌کند؛ با توجه به فقر فرهنگی و بی‌سوادی اغلب والدین آموزش به کمک خانواده از اهمیت دو چندان برای عشایر دارد. در سند برنامه درسی ملی علی‌رغم

(Ghoran karim)؛ که در برنامه درسی تحت عنوان عرصه خلقت لحاظ شده است. محوریت و پایه قرار دادن «آموزش از طریق محیط زیست» در برنامه درسی آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی عشایر وزن کمتری نسبت به «آموزش محیط زیست» دارد. از آنجایی که یادگیری فقط در چارچوب کلاس درس صورت نمی‌گیرد (Eisner, 1979) می‌توان علاوه بر مراقبت، حفظ و استفاده صحیح از محیط زیست که مصداق‌های آموزش محیط زیست هستند. رابطه جدایی ناپذیر زندگی عشایر با عناصر خلقت مثل آب، خاک و سنگ را برای آموزش مباحث خدانشناسی و خلاقیت به عنوان مصداق «آموزش از طریق محیط زیست» در ساحت‌های تربیتی آنان لحاظ کرد. لازم به توضیح است که در بندهای سند به صورت تلویحی به آموزش محیط زیست با توجه به شرایط و ساختارهای متفاوت جوامع توجه شده است اما طرح و برنامه خاصی برای عملیاتی شدن برنامه های «آموزش از طریق محیط زیست» وجود ندارد. این بدین معنی است که توالی تولید «نظریه» به «سیستم» و سپس به تولید «برنامه عملیاتی» تربیت کودک در نظام آموزشی و پژوهشی در تربیت کودک به حد تکامل خود نرسیده است (Marzooghi, 2015). بنابراین برای تولید محتوا برنامه پیش‌دبستانی از شکل رقیق‌یافته و ساده‌ی برنامه درسی دوران ابتدایی استفاده می‌شود. نداشتن الگوریتم و چارچوب خاص برنامه‌ریزی چند بعدی در زندگی کودک که از چهار قلمرو معارف اسلامی، مضامین بین رشته‌ای، بعد فعالیت‌های مورد علاقه کودک و بعد پروژه‌های برگرفته از زندگی کودک الهام بگیرد جای نقد و بررسی دارد. محیط وسیع و سرشار از محرک‌های طبیعی از اولویت‌های اول فرصت‌هایی پیش‌روی آموزش در پیش‌دبستانی عشایر است که به کمک آنها می‌توان به سبک مدارس وابسته به طبیعت من جمله مدل «والدروف» فرایند یاددهی و یادگیری را توسعه داد. در الگوی «والدروف» دانش‌آموزان از محیط‌های باز و طبیعی استفاده می‌کنند و در روش کار آن تأکید بسیار بر انواع مختلف بازی‌های

صورت مستقیم به نیازهای آموزشی عشایر با رویکرد دانش بومی توجه دارند و در بندهای دیگر با توجه به ماهیت مختصرگویی و جامعیت سند به صورت کلی و تلویحی به رهیافت دانش بومی اشاراتی شده است. نتایج تحلیل نشان دهنده آن است که بند «اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی و یادگیری»، رویکرد دانش بومی و رهیافت بوم شناختی را کمتر مد نظر قرار داده است در صورتی که این بند در سیاستگذاری برای آموزش دارای اهمیت بسیار زیادی است. نتایج پژوهش در قسمت نقد به سند برنامه درسی از منظر توجه به نیازهای حوزه عشایر نشان می‌دهد که برنامه درسی ملی فاقد مدل خاص در آموزش پیش‌دبستانی با رویکرد آموزش دانش بومی است. برنامه درسی برای تعیین اهداف تربیتی و تولید محتوا در دوره پیش دبستانی با در نظر گرفتن شرایط رشد شناختی و جسمی نوآموزان از برنامه درسی یادگیری دوره ابتدایی تزیق می‌کند. در این مورد نداشتن الگوی بومی خاص و جداگانه از برنامه‌های دوره ابتدایی که در آن به مضامین بین-رشته‌ای، بعد فعالیت‌های مورد علاقه کودک و بعد پروژه‌های برگرفته از زندگی کودک توجه داشته باشد جای نقد و بازاندیشی دارد. نتایج با پژوهش تحلیل محتوای کتاب‌های اجتماعی بر اساس شاخص‌های بومی برنامه درسی در اسناد بالا دستی آموزش و پرورش مبنی بر اهمیت بکارگیری مولفه‌های بومی در برنامه ریزی درسی هم راستاست (Mirzaei Pirloo, 2018). از دیگر انتقادات می‌توان توجه کم برنامه درسی ملی به مولفه‌های رهیافت بوم شناختی مثل برخورداری از محیط کاملاً طبیعی و استفاده از عناصر طبیعی برای آموزش، توجه کم به کاربرد صنایع دستی و بازی‌های بومی و محلی را می‌توان خاطر نشان شد. نتایج با پژوهش (حسینی اسفندیاری و نعمتی) (Hosseini, Esfandiari, 2016) & Nemati در مورد «تحلیل محتوای اسناد بالا دستی و کتب دوره ابتدایی در زمینه توجه رفتارهای عملی به عنوان شاخص قابل اندازه‌گیری فرهنگ آموزشی» هم راستاست. نتایج این

اشاره به تقویت بنیاد خانواده‌ها و نقش آن‌ها در آموزش به کودکان پیش دبستانی طرح و برنامه عملیاتی خاصی وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

شناسایی نیازهای آموزشی کودکان پیش دبستانی و دوره اول ابتدایی عشایر به خاطر داشتن دو ویژگی عشایری و کودک بودن، امری ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که در چشم‌انداز نظام تعلیم و تربیت عمومی بهره‌گیری از الگوی پیشرفته و بومی مورد توجه قرار گرفته، و مرجعیت معلم و متخصصین در هدایت و غنی‌سازی محیط تربیتی به همراه اصل توجه به تفاوت‌ها مد نظر است در همین راستا این پژوهش به کمک بهره‌گیری از نظریات متخصصان درگیر درحوزه عشایری با کمک تکنیک دلفی به تشخیص نیازها آموزشی کودکان پیش دبستانی و دانش‌آموزان دوره اول و نوآموزان پیش دبستانی با تاکید بر آموزش دانش بومی پرداخته است و در ادامه به نقد و تحلیل میزان توجه متن سند برنامه درسی به هر یک از این نیازها می‌پردازد. نتایج در بخش شناسایی نیازهای آموزشی حاکی از آن است که نیازهای آموزشی با تاکید بر آموزش دانش بومی با وزن مساوی در سه حیطه دانشی، مهارتی و نگرشی توزیع شده اند که نشانگر توجه به محدود نشدن فرایند یاددهی و یادگیری از طریق انتقال دانش است؛ بلکه در زمینه تولید علم بومی از سوی دانش‌آموزان با تاکید بر مشارکت آنان و انجام فعالیت و کسب مهارتی میسر می‌شود. همچنین لحاظ کردن نیازهای آموزشی حیطه نگرشی برای آموزش دانش بومی نشان دهنده آن است که برای آموزش موثر در بستر و بافت یک جامعه، بایستی به ارزش‌ها و عقاید آن جامعه توجه شود چرا که فرهنگ پس زمینه خودآگاه همه برنامه‌ریزی‌ها را تشکیل می‌دهد (Younesin, 2001). بررسی در سند برنامه درسی ملی در بندهای ۱۵ گانه نشان می‌دهد که بندهایی مانند «تجارب یادگیری» و «چشم‌اندازها»، «ارزش‌ها و مبانی» تا حدود زیادی و به

- Journal of Jihad, Seventeenth Year, No. 205[Persian].
- Avery, L. M., & Kassam, K. A. (2011). Phronesis: Children's local rural knowledge of science and engineering. *Journal of Research in Rural Education (Online)*, 26(2), 1.
- Bahonar, N (2009). Unknown religious education of children. *Journal of Islam. Educational research*. 1 (2): 203-235[Persian].
- Bavakhani, A, Yarmohammadian, M, Keshti Arai, N (2020). Representing the lived experiences of professors in publishing a native revision of the curriculum of Farhangian University. Volume 14, *Research in Educational Systems*, Summer Special Issue, pp. 84-93[Persian].
- Cámara-Leret, R., Fortuna, M. A., & Bascompte, J. (2019). Indigenous knowledge networks in the face of global change. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 116(20), 9913-9918
- Document of Fundamental Transformation of Education (2011). Higher Education Council [Persian].
- Eisner, E (1979). *Education imagination*, new york. macmillan publishing co.
- Esfandiari, Y (2018). Evaluation of the curriculum localization approach in the field of curriculum planning, based on Klein's model. Master Thesis in Curriculum Planning, Faculty of Humanities, Shahed University [Persian].
- Fathi Vajargah, K (2013). *Principles of Iran Zamin Curriculum Planning*. The tenth edition[Persian].
- Fathi Vajargah, K, Mehr Mohammadi, M (2002). *Curriculum, views and perspectives*. ISBN Publications. Tehran. Astan Quds Razavi Publications [Persian].
- Ge, D., Wang, X., & Liu, J. (2021). A Teaching Quality Evaluation Model for Preschool Teachers Based on Deep

پژوهش میزان کم هماهنگی اسناد بالا دستی و محتوای کتاب های درسی ابتدایی به شاخص های رفتار عملی بدون رعایت سطح یادگیری از ملموس به انتزاعی و ناهماهنگ با نوع ماده درسی را نشان می دهد. مضافاً در سند برنامه درسی ملی به کلیات گویی به کمک ارائه مفاهیمی چون فرهنگ متفاوت، جغرافیای متفاوت، حوزه عشایری را با دیگر جوامع متفاوت ساخته است. در صورتی که از حیث وابسته بودن به فرهنگ قومی و شیوه زندگی متفاوت (زندگی ایلی و همراه با کوچ) با دیگر جوامع فرق دارند و کل ساختار جامعه عشایری متنوع است و نمی توان آن را با دیگر جوامع مقایسه کرد. نتایج این تحقیق همسو با نتایج تحقیقات صادقی (Sadeghi, 2010) در زمینه مقایسه رویکرد آموزش چند فرهنگی در سند برنامه درسی است.

در جمع بندی کلی می توان گفت که سند برنامه درسی به نیازهای آموزشی عشایر توجه نسبتاً خوبی دارد؛ اما با توجه به اینکه مبانی جامعه شناختی و فرهنگی -زیستی عشایر متفاوت از دیگر جوامع است؛ لذا در بحث تبدیل رهنمودها به الزامات اجرایی و تجویزی دچار نقص است. داشتن الگوریتم ها و مکتوبه های شفاف در سند می تواند این مشکل را حل کند. در پایان ذکر این نکته ضروری است که هدف از نقد و تحلیل سند، تلاشی جهت رفع نیازهای عشایر بویژه نوآموزان است و امید می رود در تکمیل و رفع این کاستی ها و ارائه مدل برخواسته از بوم و بافت فرهنگی، طبیعی عشایر مورد توجه دست اندرکاران قرار گیرد.

منابع

- Abbasi Sarvak, L. (2008). Quantitative and qualitative studies of Iranian nomadic education. Nomadic Education Office of the country with the cooperation of Chaharmahal and Bakhtiari Education Department, Shahrekord. [Persian].
- Arabi, Q (2002). *Application of Indigenous Knowledge in Sustainable Development*.

- Ghasempour D, Ali, Liaqatdar, M J, , S, E, (2011). An Analysis of the Localization and Internationalization of University Curricula in the Age of Globalization, Cultural Research Quarterly, Volume 4, Number 4, Pages 1-24, [Persian].
- Ghavidel, A (2014). Curriculum and globalization. The first scientific-research conference on educational sciences and psychology of social and cultural injuries in Iran. Soroush Hekmat Mortazavi Center for Islamic Studies and Research. Scientific Association for the Development and Promotion of Basic Sciences and Technologies. Tehran. 14-1, [Persian].
- Gholami, A (2013), national curriculum is our guide; Meeting and critique of preschool content. Journal of Preschool Education Growth, No. 21, pp. 26-30 [Persian].
- Habibi P, Ahmadi Qaracheh, A M, (2011), Global Patterns of Preschool Education, Soroush Publications, First Edition [Persian].
- Ghoran karim.
- Hosseini, M, Esfandiari, M, Nemati, S (2016). Content analysis of upstream documents and elementary school textbooks in the field of attention to examples of practical behavior as measurable indicators of academic culture. The fourth annual conference of the Association of Curriculum Studies on the subject of culture and curriculum, Bu Ali Sina University of Hamadan [Persian].
- Khosravi, N, Koopal, A (2015). Vacancy of Solouch and Ecological Philosophy. Specialized quarterly analysis and critique of Persian language and literature texts. No. 21 [Persian].
- Marzooghi, R (2015), Methodical and theoretical critique of the documents of the fundamental transformation of education in the Islamic Republic of Iran, first edition of Avae Noor Publications [Persian].
- Learning. International Journal of Emerging Technologies in Learning (IJET), 16(3), 127-143.
- Mehr Mohammadi, M (2010). "Reviewing the narrative of globalization and indigenesness of the curriculum from the perspective of education within the forms of knowledge." Educational Innovation Quarterly, No. 33F, Ninth Year. Pages 79-87 [Persian].
- Mirzaei Pirloo, H (2018). Content analysis based on curriculum localization indicators in upstream education documents. Master Thesis in Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University [Persian].
- Naseri, Parvaneh (2002). Indigenous knowledge and the need to collect it. Journal of Jihad, 22, No. 256. [Persian].
- National Curriculum Document of the Islamic Republic (2012). Higher Education Council. Ministry of Education, Education Council [Persian].
- Nobakhtpour, M (2011). Investigating the views of experts on decentralization and providing an appropriate model to reduce concentration in the planning system in Iranian education. Master Thesis in Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University [Persian].
- Nozari, M (2011). Possibility of Islamization and localization of educational sciences curriculum. Journal of Culture Strategy, No. 19, pp. 139-164.
- Pusneh, K, Khosravi, A, A, Pourali, P. (2012). Evaluation of the quality of programs in preschool centers in Tehran, Journal of New Thoughts, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Al-Zahra University, Volume 8, Pages 29-58 [Persian].
- Sadeghi, A, R (2010). A Study of the National Curriculum Document of the Islamic Republic of Iran Based on a Multicultural Approach, Iranian Curriculum Studies

- Quarterly, Fifth Edition, No. 18, Fall 2010, pp. 190-215[Persian].
- Sajjadih& Azadmanesh, S (2013). Critique of the detailed objectives of preschool activities in the national curriculum. The Islamic Republic of Iran from the perspective of the Islamic approach to action. Two Quarterly Journal of Theory and Practice in the Curriculum. 1 (2): 65-98[Persian].
- Sarmad, Z, Bazargan, A, Hejazi, (2002). Research Methods in Behavioral Sciences, Sixth Edition, Agah Publishing Institute [Persian].
- Taherizadeh, S, Shabani, R (1398). Indigenous curriculum is an undeniable necessity for multi-grade classes. Journal of Research in Curriculum Planning, No. 63, pp. 66-77[Persian].
- Yaghoubi, J, Zare, H (2000). Journal of Jihad, Year 19, Issue 231[Persian].
- Younesian, M (2001). Critique of social knowledge localization. Social Science Month Book, A Theory of Social Research in Iran [Persian].